

سجل احوال است اینست که بنده پیشهاد کردم که يك حوزه بندی وزارت داخله برای این قانون در نظر گیرد و ضمیمه این قانون شود ولی تقسیمات فعلی غالباً بی تناسب است .

در یکی از مواد این قانونی ما گفتیم حاکم هر ولایت مسئول سجل احوال است یعنی والی خراسان مثلاً مسئول است در صورتی که تمام حکام بنظر آن والی انتخاب میشوند و معلوم نیست حوزه های خراسان مستقلند و مربوط بایالت نیست و والی مسئول حوزه خودش است یا خیر؟

والی مسئول تمام حوزه های خراسان است همینطور فرضاً ارومیه حاکمش مسئول همان ارومیه است . والی آذربایجان مسئولیتی ندارد یا خیر و بنظر بنده باید حوزه بندیها معین و جدولی ضمیمه شود و انتساباتی که اصل مقصود و منظور ماست محفوظ بماند .

والا آنطوریکه پارلمان میخواهد محفوظ نمی ماند و باید نسبت به تمام نقاط و شهرها و ولایات حدود قرارداد که بالاخره درجه بندی ولایاتی معین باشد .

معاون وزارت داخله - حوزه بندی موضوع در تشکیلات اداری مملکت هست و بطور عموم تقسیم بندی می شود که حوزه های اداری مملکت از نقطه نظر کشوری از چه قرار است حوزه بندی نظام هم البته علیحده است ولی از نقطه نظر سجل احوال یعنی چه .

راست است حوزه بندی اداری که نقشه اش را در دست داریم باید بشود یک کار خوبی هم هست و خیلی هم مهم است وقتی که حوزه بندی اداری شد آنوقت هر یک از شعب اداری کشوری مربوط بان قسمت میشود چه احضاریه و چه غیر آنها بنابراین بنده اینجا در قانون سجل احوال موضوعی برایش نمی بینم .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجهش میداند بقیام فرمایند .

(عده کمی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد .
ماده یازده میماند برای موقعی که سافر مواد ارجاع شده از کمیسیون برگردد نسبت بدستور پنجشنبه چند فقره تقاضا شده :

اول آقای عماد السلطنه و آقای معتمد السلطنه تقاضا کرده اند که خیر کمیسیون بودجه راجع بمستخدمین بلژیکی کمزگی جزء دستورشود .

رئیس - آقای مشار اعظم .
مشار اعظم - بنده مخالفم .
رئیس - آقای حاج میرزا هب -

الوهاب
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مخالفم .

عماد السلطنه - اجازه میفرمائید توضیح بدهم .
رئیس - بعد .
آقای آقا شیخ جلال و آقای همام - السلطان و آقای روحی تقاضا کرده اند که قانون نظام اجباری جزء دستورشود . (بعضی از نمایندگان - صحیح است)
آقای اعتبار الدوله هم تقاضا کرده اند که قانون استخدام کشوری جزء دستورشود .
آقای عماد السلطنه .

عماد السلطنه - پیشنهادی که ما راجع بدوازده نفر مستخدمین بلژیکی گذر کردیم برای بعضی از آقایان اشتباه حاصل شده است و تصور فرموده اند راپورت راجع بملیتراست در صورتیکه اینطور نیست .

ایک چیز تازه و خرج جدیدی نیست یک اشکالی در نتیجه سهوی که وزیر مالیه در دوره چهارم کرده است و در جواب آقای ارباب کیخسرو یک جوابی داده است حاصل شده و این مسئله وضعیت داخلی مستخدمین بلژیکی را از حال طبیعی و عدالت خارج کرده باین جهت یک پیشنهادی بمجلس تقدیم کرده اند و در هم آمده و تصویب شده و راپورت آن مدت است تنظیم شده و برای اصلاح وضعیت آنها لازمست زودتر تکلیفش در مجلس معین شود .

رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . قانون بلدییه و راه بندر جز هم باین تقاضا ضمیمه شده است .

رأی میگیریم بقانون نظام اجباری آقایانی که تصویب میکنند جزء دستور روز پنجشنبه شود قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . چون فردا روز عید است و باید برای عرض تبریک حضور والا حضرت اقدس شرفیاب شد اجازه میفرمائید شش نفر بقرعه معین شوند .

جمعی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع آقای معظم السلطان استقرا بعمل آورده آقایان مفسله ذیل معین شدند)

آقای شیخ العرافین زاده - آقای حاج میرزا عبدالوهاب - آقای عدل الملک - آقای سردار فاخر - آقای رئیس التجار - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون بنده فردا کار دارم خوبست عوض بنده دیگری را معین کنند
(مجدداً استقرا بعمل آمده آقای امیر اعلم معین شدند)

رئیس - جلسه ختم میشود (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملک
مشی علی اقبال الامالک
مشی معظم السلطان

جلسه ۱۴۰
صورت مشروح مجلس
یوم پنجشنبه بیست و دوم
حوت یکم هزار و سیصد و
سه مطابق شانزدهم شعبان
المعظم یکم هزار و سیصد و
چهل و سه

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه بیستم حوت را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)
غلامحسین میرزا - بنده از حضور ریاست استعجازه کرده بودم

رئیس - باید از کمیسیون تحقیق شود به بنیم برای چه اجازه نداده است .
آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - قبل از شروع بدستور عرض مختصری داشتم .
رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد یا نه؟

جمعی از نمایندگان - خیر
رئیس آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در این چند روز تلگرافاتی راجع بعوارض جدیدی که تحمیل بر بعضی اصناف میشود رسیده است و چون یزد یک شهر صنعتگری است از آنجا بیشتر شکایت می کنند .

مثلاً صنایع ابریشم باغ باد باغ شکایت می کنند که یک مالیات هائی از آنها مطالبه میکنند بوزارت مالیه مراجعه شد وزارت مالیه عنوان می کند که بعضی از اصناف بکلی از بین رفته اند مادرعوض باید از بعضی دیگر بگیریم که جبران بشود .
من هر چه فکر کردم فلسفه برای این موضوع پیدا نکردم
اولا دولت مالیات را بی اجازه مجلس

شورای ملی حق ندارد بر مردم تحمیل کند و از جایی مطالبه کند .
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
بعلاوه مملکت ما چهار تا صنعت قدیمی دارد که تقریباً دارد از بین میرود و اگر به آنها هم بخواهند مالیات تحمیل کنند بکلی از بین میرود

در مجلس چهارم آقایان یک قانونی گذراندند که مستخدمین دولت لباس وطنی بپوشند تا از این راه تشویق و ترویج از امتعه وطنی کرده باشند که لا اقل حالا که کارخانجات حسابی نداریم همان کارخانجات دستی مان از بین نرود و در جریان باشد

و حالا اگر بنا باشد از این هاهم يك عوارضی مطالبه کنند اسباب بیاس و نومیدیشان می شود و این دو سه صنعت هم از بین می رود .

(صحیح است)
مثلاً ما مورین مالیه در یزد فشار آورده اند و يك مالیات جدیدی می خواهند .
نجات - اسم ببرید .

حائری زاده - مثلاً بعنوان اینکه صنایع چادر باف که سابق چادر می یافتند (و حالا دیگر از اروپا می آورند و این صنعت بکلی از بین رفته است) مالیاتش را چون کسی نیست بدهد و این صنایع از بین رفته از فلان صنایع دیگر که نساجی می کنند مطالبه میکنند یا صنایع ابریشم باف در قدیم این صنایع مالیاتی مس داده است .

حالا که این صنایع از بین رفته اند آمده اند و از صنایع دیگر مطالبه می کنند .
یک روز هم خیال می کنم نماینده کلیبی

ها این موضوع را در مجلس صحبت کرده قرار شد بوزارت مالیه تذکر داده شود نمی دانم بعد از آن تذکر بوده است که متعرض نساجها شده اند یا قبل از آن در هر صورت يك عده کشوری از آنها در تلگرافخانه متعصن هستند و شکایت می کنند که این عوارض را بوزارت مالیه مطالبه می کنند .

در صورتی که مجلس در موضوع اقتصادیات خیلی توجه دارد .
کمیسیون هم برای این کار انتخاب کرده است باین ترتیب اگر بنا باشد چهار

پنج نفری که حالا دستشان بیک کاری بند است آنها را هم بخواهند از کاربری کارشان بکنند و يك عوارضی بر آنها تحمیل کنند صحیح نیست .
بنده استدعا می کنم از طرف مجلس بدولت تذکر داده شود که این تحمیلاتی را که در سینه حاضر در ولایات خیال کرده اند برای جبران کسورات خود میکنند موقوف کنند و يك لویحی برای خرج و تعدیل این قبیل مالیاتها بیاورند بمجلس .
مالیات ارضی يك لایحه است که الان

در مجلس مطرح است و امیدوارم در این دوره تصویب شود. همین طور هم دوات مالیات های صنعتی را بیک مور صحیحی در پیار و بیارورد بمجلس تا مردم راحت شوند.

بعضی از نمایندگان صحیح است رئیس آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - جراند خراسان شرحی از عملیات بعضی از خوانین قوچان نوشته اند که حقیقتاً به افسانه شبیه تر است. والا تصور نمی شود کرد که بتوان در دوره مشروطیت همچو عملیاتی را در یک محل هائی کرد.

بنده ابتدائاً عین آن شرحی که در روزنامه نوشته شده بعرض آقایان می رسانم و عرض می کنم که هلت وقوع اینطور قضایا چیست.

در ضمن اخبار قوچان می نویسد: چندی قبل ولی خان قهرمانلو ملقب بضرغام السلطان بمعیت حاج محمد حسین رستم آبادی و چند نفر سوار بکلانه سیاه رشت وارد می شوند.

بخان مزبور خبر می دهند شیخ براتعلی نامی که بعضی او بوده در آن قلعه است دو نفر سوار بسراخ او رفته حاضر می نمایند. پس از فحاشی و هتاکتی زیاد نسبت باواز فریه قز بوده حرکت و بسمت رستم آباد رهسار می گردد بدو نفر سوار مزبور حکم می کند که شیخ را متعاقب او برستم آباد می برند سواران باید بدستور از باب خودشان پس از خروج از قلعه گردن شیخ را با ریسمان به دم اسپ بسته مشغول تاخت و تاز می شوند.

مسافت بین دو قریه را که قریب دو فرسخ بوده باین حال طی مینمایند بین راه چند مرتبه شیخ بیچاره ضمه نموده روی زمین می افتد مأمورین قسی القلب بوسیله درفش و جوال دوز (که حسب معمول نوکر های این خان برای همین مواقع با خود دارند) او را از روی زمین حرکت داده و باز بنای اسپ تازی بحال مذکور می گذارند.

تا اینکه بقریه رستم آباد برسند درب قلعه اسپطری بوده یراز گل و لجن قریب بیست مرتبه بیچاره رامیان اسپطرخانداخته بیرون می آورند و در فواصل آن کتک زیادی میزنند و در آخر هم لباس های او را گند از سر تا پای آن را بگل سیاه گرفته باین هیئت پیش خان مذکور می برند آن مجسمه شقاوت.

تانیاً بنای فحاشی و هتاکتی گذارده و امر بحبس و زجر او می نمایند پس از مدتی بحبس و آزار برادر حاج سابق اند کر رسیده و بحال او رقت می نماید و بوساطت او خان از سرقت و زجر او می گذرد تا اینکه کسان او از قریه مایوان مسبوق شده می آیند و جسد نیم مرده شیخ را روی الاغ انداخته

بخانه اش می برند. پس از چند روز که فی الجمله رمقی پیدا نموده و تخفیفی در جراحت بدن او پیدا می شود برای اظهار شکایت بشهر می آید و بمقامات عالیله اظهار مظلومیت و دادخواهی می نماید.

تا کنون چندین مرتبه حکم از مرکز برای رسیدگی بشکایت شیخ و رفع ظلم اوصادر و بملاحظاتی تمام مسکوت عنه مانده و شیخ بیچاره در کوچه های قوچان ویلان و سرگردان مانده است. حقیقتاً این قسم پیش آمد هادر شهر هائی که مدعی العموم دارد خیلی عجیب است که تعقیب نمی شود و هر کاری که دلشان میخواهد می کنند.

در صورتی که مشهد مدعی العموم دارد برای رسیدگی باین طور قضایا که اگر مدعی خصوصی نداشته باشد مدعی عمومی باید خودش تعقیب کند.

متأسفانه مدعی العموم مشهد هیچوقت در این قبیل قضایا دخالت نمی کند اینک بستیگی مخصوص بیک عضو مهم مرکز دارد و تقریباً می توان گفت که مدعی العمومی مشهد تیول شده است و چندین سال است که ابداً تغییر نمی کند و البته اگر مدعی العموم تعقیب بکنند ابداً ممکن نیست این قضایا روی بدهد و مدتی این شخص بیچاره در آنجا ویلان و سرگردان مانده است و بهیچوجه تعقیب نشده.

بنابراین خواستم قضایا را بعرض آقایان برسانم و از طرف مجلس مقدس شورای ملی بدولت تذکر داده شود که حقیقتاً چرا باید در یک ولایاتی در زمان مشروطیت یک حرکاتی بکنند که اینطور رقت آور باشد.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده می خواستم تقاضا کنم که مدت ها است دو فقره سؤال از وزارت مالیه کرده ام تقریباً شش هفت ماه است و هنوز حاضر نشده اند جواب بدهند و همین حاضر نشدنشان باعث شده است که هر دوره یک مالیات جدیدی بر اهالی همدان تحمیل می شود استدعا می کنم مقرر فرمائید که زودتر بیایند و جواب سؤالات بنده را بدهند و جلو گیری هم از این خلاف قانونها بکنند.

رئیس - تأکید می شود بعضی از نمایندگان - وارد دستور بشویم

رئیس - خیر کمیسیون بودجه راجع بدوازده نفر مستخدمین بلژیکی مطرح است در کلیات مخالفی نیست؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده مخالفم. رئیس - بفرمائید حاج میرزا عبدالوهاب - در این

لایحه نوشته شده که بیست و هفت هزار و هشتصد خورده تومان علاوه باین مستخدمین داده شود. علاوه منزل هم داده شود البته کسی منکر خدمات مستخدمین بلژیکی نیست.

ولی یک مملکتی که این قدر بی پول است این قدر بذل و بخشش را بنده سزاوار نمی دانم باید اول تحصیل پولش را کرد بعد بذل و بخشش کرد تا محتاج بیک قره تحصیل طاقت فرسا بمردم بشویم بنده این کار را سزاوار نمی دانم از این جهت مخالف هستم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم. عماد السلطنه مخبر کمیسیون بودجه - اینکه آقا فرمودند بیست و هفت هزار تومان و کسری در این لایحه نوشته شده است ولی در همین لایحه هم نوشته شده است که کلیه این مبلغ در بودجه سنه ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ منظور شده و بهیچوجه موجب هیچگونه اضافه مخارجی نیست.

اول بنده باید تاریخچه این مسئله را عرض کنم چنانچه یر پروزهم عرض کردم این در نتیجه یک سهوی است که در نوزدهم جوزای ۱۳۰۱ در مجلس شورای ملی واقع شده است در موقعی که لایحه دولت راجع بدوازده نفر بلژیکی مطرح بوده است وقتی میخواستند رأی بگیرند

آقای ارباب کیخسرو از وزیر مالیه وقت توضیح میخواستند از صورت مجلس هست) که این کنترات سابقشن تاریخ است ایشان جواب میدهند از تاریخ تصویب در صورتی که از تاریخ تصویب نبوده است و از تاریخ انقضای کنترات سابقشان بوده است و اگر در تاریخ تصویب بنا بود معمول شود.

همانطور که در این لایحه هم عرض شده است مستلزم این بود که بکمه از بلژیکیها بدون استعناق از حقوق کنتراتی شان علاوه دریافت کنند و یک عمده دیگر بدون جهت از حقوق حقه خودشان کمتر دریافت کنند.

برای این مسئله دولت ناچار بود به مجلس مراجعه کند که رفع این اشتباه بشود.

در آنوقت که مجلس نبود بندهم که این لایحه را بمجلس تقدیم کردند مدتی در کمیسیون طول کشید چون لازم بود توضیحاتی از رئیس کل گمرکات در این باب خواسته شود در رئیس کل گمرکات هم بمسافرت رفته بود

بعد از آن که از مسافرت برگشت به کمیسیون آمد و توضیحاتی داد معلوم شد که هیچگونه اضافه مخارجی نیست و همان

است که در بودجه سنه سیصد و دویست و صد و سه تصویب شده است این بود که راپورتش تقدیم مجلس شد همین طور هم در راپورت کمیسیون ذکر شده و از تصویب مجلس هم گذشته است. بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند) رئیس معلوم میشود کافی است. آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - راجع بفرمایش آقای عماد السلطنه -

اولا این را عرض کنم که راجع به اساس مالیه سخت است صحبت کردنش در مجلس برای اینکه مخبر کمیسیون بودجه آقای عماد السلطنه است که بنظر بی رحمتی حمله میکند و بنده نمیتوانم به ایشان اعتراضی کنم خودشان تصدیق می کنند که این مال سیصد و دویست و سه است و مال سابق نیست

یعنی در بودجه هزار و سیصد و دویست منظور شده پس معلوم می شود که این یک اضافه مخارجی است که آورده در بودجه بنده و آقای حاج میرزا عبدالوهاب

با این اضافه مخالف هستیم چون همانطور که در سابق هم بنده عرض کرده ام اگر سابقاً آنها کنترات داشته اند که مطابق آن خدمتشان حقوق به آنها میدهند و اگر یک خدمت جدیدی بآنها رجوع کرده اند و مستوجب نصیحت جدیدی هستند که خوب است آرا هم آقای مخبر بفرمایند که چون یک خدمت دیگری بآنها رجوع شده در مقابل این خدمت این نعمت را هم باید بآنها داد

والا در صورتی که کنترانشان در سابق تصویب شده و دارای یک حقوقی بوده اند دیگر این اضافه برای چیست و همانطور که خودتان هم فرمودید در بودجه هزار و سیصد و دو و سه هم تصویب شده است در هر صورت مخالفت بنده و آقایان دیگر از این نقطه نظر است که این زیادتی برای چیست و چه خدمتی کرده اند که این اضافه بایستی منظور شود و در واقع توضیح این مسئله را میخواهم.

مخبر - اولاً بنده هیچوقت حمله و تعرض نکرده ام که ایشان فرمودند حمله و تعرض میکنند و این فرمایش ایشان مورد ندارد. اما اینکه فرمودند چرا در بودجه ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ذکر نشده؟ جایش همانجا است چون در سنه ۱۳۰۱ کنترات اینها

تجدید شده است آنوقت باید در بودجه هزارویصد و دو سو این اضافاتشان ذکر شده باشد و از تصویب مجلس هم گذشته باشد همین طور هم شده و از تصویب مجلس گذشته است.

اما اینکه فرمودند چه خدمت جدیدی کرده اند که این حقوق بآنها داده میشود این یک چیز جدیدی نیست و خدمت هم جدید آنکه ما نظریه سایر مستخدمین خارجی در کثرت انشان قیدهست در کثرت مستخدمین بلژیکی هم این مسئله قید شده است که در سال اول دووم و سوم و همینطور در سنوات خدمتشان حقوقشان نسبت بسال قبل علاوه می شود.

این یک چیز تازه نیست هم چنانکه نسبت بمستخدمین داخلی ایران هم این مسئله منظور شده و از این اضافه بهره مند میشوند و باز هم تکرار می کنم که بهیچوجه من الوجوه در این فستی که امروز مجلس تصویب میفرماید یک دینار بر بودجه که تصویب شده تعمیم نمیشود.

رئیس - آقای کازرونی.

(اجازه)

کازرونی - موافقم.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده معنی بودجه مصوبه را ندانستم اگر اینها واقعا تصویب شده دیگر زیادی معنی ندارد. اگر چنانچه یک پول زیادی در گمرک جمع شده است آنرا باید بدهند بخزانه مملکت نه اینکه چون آنجا یک پول زیادی جمع شده باید فوری برایش خرج بتراشیم و یک لایحه پیشنهاد کنیم بمجلس.

این معنی ندارد اگر این طور است الان تمام ادارات ما بی مواجب مانده اند اول حقوق آنها را بدهند بعد برای اینها پیشنهاد زیادی بشود.

مخبر - متأسفانه توضیحی که بنده می دهم آقایان توجه نمیفرمایند یا شاید بنده بد توضیح میدهم عرض کردم اینها در جزو بودجه کل مملکتی از تصویب مجلس گذشته است ولی نظر باینکه این اضافات برای مستخدمین بلژیکی بموجب کثرت است و باید این اضافات در حق آنها منظور شود اجازه مجلس شورای ملی را لازم دارد ولی در در هر صورت در جزو کل مملکتی و گمرک این مبلغ از تصویب مجلس گذشته است این عرض بنده ...

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند - کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

بآنها داده شود و اگر برابرت کمیسیون بودجه کامل را مراجعه شود رفع تمام مشکلات خواهد شد.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس تقاضا کرده اند که لایحه از دستور.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس عرض کنم که ...

رئیس - آقایان بفرمائید مگر تقاضا نکردید که از دستور خارج شود.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس چراولی اول اجازه گرفته بودم.

رئیس - در حال ایشان تقاضا کرده اند که این لایحه از دستور خارج شود بفرمائید.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - آقايان نسبت سهو بمجلس چهارم میدهند در صورتیکه اشتباه میکنند بمجلس میخواست تا موقتی که کثرت آنها تمام نشده اقدامات و عملیاتی خارج از قانون نکنند و ابدأ سهو نکرده.

و علاوه چون اذنان آقایان حاضر نیست و مطالب مهمتری از قبیل نظام اجباری و غیره در دستور هست که مفصلتر است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که از دستور امروز خارج شود.

مخبر - بنده عرض نکردم بمجلس چهارم سهو کرده است.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده اساساً باین قبیل پیشنهادات مخالف هستم یک کاری که می آید بمجلس صحیح باسقیم وقتی که درش جزئی گیری پیدا میشود و یک نظریاتی تولید می شود فوری آقایان می فرمایند از دستور خارج شود و بنده با این ترتیب مخالفم.

اگر آقایان موافقتند موافقتشان را اظهار کنند اگر هم مخالفند مخالفشان را بفرمایند دیگر چرا از دستور خارج شود.

رئیس - آقایانی که تقاضای شاهزاده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده در موقتی که مخبر محترم کمیسیون توضیح می دادند نزدیک بود یک قدری متقاعد شوم ولی توضیحی که آقای معتدلسلطنه دادند بنده را در عقیده مخالفت خودم را سخت کرد.

چون در ضمن توضیحات خودشان گفتند این وجه در خزانه گمرک موجود است تا وقتی که مجلس تصویب کند داده حقوق حقه آنها را بآنها بدهد و بهیچوجه موضوع حاتم بخشی و اضافه خرج نیست و این یک حق مشروعی است که مطابق سوابق و کثرت هائی که داشته و دارند باید

پس هرچاپیزی موجود است در این مقام بر بیاوریم که تصویب کنیم خواهش می شود.

خبر اینطور نیست.

چون یک قدری پول در خزانه گمرک جمع شده بدهیم باین قبیل اشخاص این ترتیب غریبی است و بنده تصور میکنم که این یک خرجی است تازه که مجدداً میخواهیم تصویب کنیم و من خیال می کنم قول آن کسی که میگوید ما حاتم بخش کنیم درست باشد.

آقای معتدلسلطنه بر طبق فرمایشی که فرمودند تصدیق کردند که ما یک پول داریم حالا که داریم بدهیم بدیگری خیر.

مطابق آن بودجه که سابقاً تصویب شده است برای مستخدمین بلژیکی حقوقی تصویب شده است و این اضافات مخیر محترم هم در ضمن فرمایشات فرمودند که یک اضافه که یک کسی می بایستی داده شود داده نشده و بدیگری عوض آن داده شده که مستحق آن نبود است.

حالا بهتر این است که ما این پول را که داریم بدهیم باین شخصی که مستحق بنده معنی این را نفهمیدم حقیقتاً آن غریبی است و بنده نمی توانم با این لایحه موافقت کنم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - موافقت بنده فقط منم این نکته است که حقیقتاً بلژیکی ها برای مایک نوعی کار کرده اند و گمرکات ما مرتب کرده اند که مستوجب تقدیر و تحسین هستند.

بنده بر خودم لازم می دانم که اظهار قدر دانی کنم.

اگر کس در دست مربوط باشد بگردد و عملیات آنها را نگاه کند حسن اذعان آنها را تصدیق میکند که یا بهتر از بسیاری از گمرکات خارجه است یا مثل یکی از گمرکات جنوب خارجه است.

در گمرکات ما مطمئن می دهم هیچ تعدی و خیانت وجود ندارد.

باینکه تجار را محکوم کرده است که آن آخرین مرتبه اعلاای حقوق گمرک را بپردازند.

معدلتک هیچوقت کسی از گمرک شکایت نکرده است و هم وقت راضی بوده اند.

عایدات گمرکی ما هم خیلی زیاد شده است و روز بروز هم در تزیاید است بنده چندان مهم نمی دانم که حقوق این مردم زیاد شود ما بایستی در مقابل سایر مستخدمین که حقوق ما را منظور نمی دارند نسبت بکسانی که منظور می دارند قدر

حق شناسی کنیم که سر تعفاهم نشود.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس مطلب خیلی خلوط شد و آن مطلبی که می فرمایند زیاد کم است مربوط بمستخدمین بلژیکی نیست معلوم نیست کسی که مخالفت میکند بگوید این ها خدمت گزاری نکرده اند.

خیر عرض این است که مجلس چهارم از روزی که این کثرت را تصویب کرده پیدا شده بود این بود که کثرت یازده نفر از این مستخدمین بلژیکی از طرف دولت وقت بمجلس پیشنهاد شد و باز در اثر همان تأثیرات سهو تقبول نگردند و دوازده نفر را قبول کردند و در اثر یک وضعیاتی آمدند یک کثرت متجدد الشکلی درست کردند و بر طبق قانون دوره چهارم و این کثرت متجدد الشکلی که تصویب شده است چهارم سنبله سال آینده تمام میشود و مدر کثرت های هر دوازده نفرشان منقضی می شود یک تغییر در تعادل و توازن وضعیات سابقه خودشان در کار بود است و این مسئله تولید اشکال کرده چون این بیست و هفت هزار تومان را در سابق آنها می گرفتند ولی با یک ترتیب مخصوص خودشان تقسیم می کردند و برای اینکه تعادل و توازن در مرتبه برقرار شود آمده اند و میگوید این ترتیب را مجلس پنجم تصویب کند و اینکه کلمه سهوی اینجا گفته شد نسبت سهو بمجلس داده نشد ایشان هم اینطور اظهار نکردند نمی دانم آقایان مقدمه این را برت را خوانده اند یا نه ؟

تذکره - اینجا دو مطلب طرف توجه سهوشده اما سهو را بمجلس نکرده و این اشکال در نتیجه سهوی که از طرف وزارت مالیه وقت در دوره چهارم در موقیع گذشتن کثرت ها بعمل آمده حادث گردیده.

می بایست وزارت مالیه وقت در آن تاریخ درست توضیح بدهد و این اشکالات پیش نیاید باین جهت در جزء صرفه جوئی ها و بودجه گمرک همانطور که قبل از دو سال معمول بوده است در بودجه منظور شده ولی چون مجلس رأی داده است که در یک حدود معینی حقوق بگیرند اینها نتوانسته اند از بودجه گمرک بردارند باین جهت است که آمده اند تا باین تقاضا کرده اند و از طرف دولت هم لایحه آن تقدیم شده است که در صورتی که مجلس مقضی و صلاح بیداند تصویب کند.

از همان مجلس هائی که صرفه جوئی شده است بآنها بدهند و تا چهارم سنبله سنه آتی که کثرت همه شان منقضی میشود آنوقت اگر خواستند تجدید نمایند موضوع دیگر نیست ، این راجع باین قسمت و اما راجع بمنزل اینها دوازده نفرند چندان نفر از آنها که

ملاحظه یک توازن و تفاوتی مابین افراد بلژیکی که در گمرک بوده اند بوده است و همین مسئله باعث دلگیری آن ها بوده تا اینکه در مجلس چهارم در اواخر مجلس (که اغلب آقایان هم در آن دوره بوده اند) و خوب هم مسجوق هستند اصلاً وضعیت فضا یک طور بود که علاقمندی به استخدام طبقه خارجی نشان داده نمیشد و فقط موضوع بحث الیه بود و اینکه از آمریکا برای مالیه مستشار بیاورند.

در اثر این وضعیت که از تأثیر فضا محیط پیدا شده بود این بود که کثرت یازده نفر از مستخدمین بلژیکی از طرف دولت وقت بمجلس پیشنهاد شد و باز در اثر همان تأثیرات سهو تقبول نگردند و دوازده نفر را قبول کردند و در اثر یک وضعیاتی آمدند یک کثرت متجدد الشکلی درست کردند و بر طبق قانون دوره چهارم و این کثرت متجدد الشکلی که تصویب شده است چهارم سنبله سال آینده تمام میشود و مدر کثرت های هر دوازده نفرشان منقضی می شود یک تغییر در تعادل و توازن وضعیات سابقه خودشان در کار بود است و این مسئله تولید اشکال کرده چون این بیست و هفت هزار تومان را در سابق آنها می گرفتند ولی با یک ترتیب مخصوص خودشان تقسیم می کردند و برای اینکه تعادل و توازن در مرتبه برقرار شود آمده اند و میگوید این ترتیب را مجلس پنجم تصویب کند و اینکه کلمه سهوی اینجا گفته شد نسبت سهو بمجلس داده نشد ایشان هم اینطور اظهار نکردند نمی دانم آقایان مقدمه این را برت را خوانده اند یا نه ؟

تذکره - اینجا دو مطلب طرف توجه سهوشده اما سهو را بمجلس نکرده و این اشکال در نتیجه سهوی که از طرف وزارت مالیه وقت در دوره چهارم در موقیع گذشتن کثرت ها بعمل آمده حادث گردیده.

می بایست وزارت مالیه وقت در آن تاریخ درست توضیح بدهد و این اشکالات پیش نیاید باین جهت در جزء صرفه جوئی ها و بودجه گمرک همانطور که قبل از دو سال معمول بوده است در بودجه منظور شده ولی چون مجلس رأی داده است که در یک حدود معینی حقوق بگیرند اینها نتوانسته اند از بودجه گمرک بردارند باین جهت است که آمده اند تا باین تقاضا کرده اند و از طرف دولت هم لایحه آن تقدیم شده است که در صورتی که مجلس مقضی و صلاح بیداند تصویب کند.

از همان مجلس هائی که صرفه جوئی شده است بآنها بدهند و تا چهارم سنبله سنه آتی که کثرت همه شان منقضی میشود آنوقت اگر خواستند تجدید نمایند موضوع دیگر نیست ، این راجع باین قسمت و اما راجع بمنزل اینها دوازده نفرند چندان نفر از آنها که

مأمور نقاط خارج میباشند چون بنا و عمارت برای گمرک از خود دولت در آن نقاط هست در آنجا منزل دارند و در مقدمه این راپورت هم ذکر شده از قبیل انزلی، آستارا، مشهدسر، بندرجز، سیستان، بندر عباس و مجمره و جلفا و تبریز

در این نقاط دولت عمارات گمرکی دارد و هر یک از این مستخدمین بلژیکی که مأموران نقاط میشوند البته در آن عمارات دولتی منزل میکنند و دیگر دولت برای آنها منزل جداگانه اجاره نمیکند و فقط سه نفر اینها میمانند.

بعد از آنکه کثرت آنها در مجلس چهارم گذشت این اختلاف هم در آنجا موجود شده است .

قبل از دوره چهارم دولت بهر یک از آنها منزلی که تاسیسه مقامشان باشد میداده است حالا در این یک سال ونیم و دو سال سه نفرشان بی منزل مانده اند آن وقت آن نقطه نظر اخلاقی و احتیاجات اداری رئیس کل گمرکات میگوید شما که بآن هشت نفر یا نه نفر که منزل داده اید این سه نفر هم اهمیتی ندارد درازاء خدمات صادقانه کرده اند در واقع یک اجازه خانه در مان آن هم باینطوری که کمیسیون رأی داده است از بیست و پنج الی پنجاه تومان مال الاجاره نسبت باین سه چهار نفر بدهند و خانه اجاره نمایند بنابراین صور می کنم که این یک چیز تازه نیست و تعمیمی هم بر بودجه نیست و علت این اشکال همان بود که بطور خلاصه بعرض آقایان رساندم و اگر آقایان توجه بفرمایند و بمستخدمین گمرک که از بلژیک آمده اند مبلغی پول بهره تصد یا اجاره خانه یا انعام یا اضافه مخارج داده شود با سوابقی که داشته اند یک تشویقی است و موضوع حاتم بخشی هم نیست . درازاء خدمت است پول مفت هم داده شده است .

چیزی گفتند : مذاکرات کافی است و بعضی گفتند : کافی نیست)

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

اغلب قیام نمودند

رئیس - معلوم میشود کافیست رأی میگیریم برای شور مواد آقایانی که دخول در شور مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود .

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است برای مأمورین بلژیکی گمرکات که در اماکن دولتی سکنی دارند منزلی متناسب با اهمیت مشاغل آنها در حدود ماهی ۲۵ الی پنجاه تومان اجاره و باختیار ایشان بگذارند

رئیس - آقای مساوات

(اجازه)

مساوات با گرچه آقایان توضیحاتی دادند که خیلی کافی بود ولی این بنده یک مسئله راجع باینطور مسائل از مجلس گذشته است بآقایان تذکر می دهم و آن راجع بوده است بمسئله کثرت عموم خارجی ها که در دوره چهارم تصویب شده است و گذشتن آن قانون از روی این فلسفه بود که دیده می شد در بودجه خارجی ها وقتی که با دولت حساب شد یک مخارج و یک اسامی خرجی هست که هیچ ربطی بکثرت ندارد

مثلاً خرج رشک دیده شده و خرج بعضی چیزهای تجملی از قبیل بل و اناثیه و بعضی چیزهای دیگر را میباشند

برای اینکه دولت محدود باشد در وضع کثرت آنها قرار دارند که کثرت خارجی ها وقتی بمجلس می آید باید خدمت او وسعت او و وجهی که او را کثرت میکند و مدتش را بمجلس بیاورند و تصویب شود و حقوقی اضافه بر آنچه که مجلس تصویب کرده داده نشود و این برای همین مسئله است که مخارج سبک هم مثلا داده نشود این مسائل برای شخصی بخصوص نیست و برای بلژیکی غیر بلژیکی نیست مستخدمین بلژیکی هم البته خیلی خدمت کردند و منظور نظر هم میشد و گویا عموم و کلاهم از آنها خشنود باشند اما این چون مخصوص یک دسته نیست بنده اساساً مخالفت دارم که یکدیناری زیاد تر از آن کثرتاتی که گذشته است داده شود و مخالفتم از اینجهت است

مخبر - اینجا یک شبهه برای آقای مساوات شده که لازم است رفع آن را بکنم

اولاً آن قانونی که فرمودند از مجلس گذشته البته محترم است و کثرت هائی هم که شده است البته از آن قانون تجاوز نکرده و نمیکند

هر کثرت یک شرط اصلی دارد

شرائط اصلی همانطور که فرمودند باید بمجلس بیامد و شرائط فرعی را هم بازمطابق بیکتر تیبی که خودش تصویب کرده است باید معین کند

اما این موضوع مخالف با آن مسئله نیست و این یک چیزی بر خلاف کثرت است اضافه کثرت نیست

شما یک یک مأمورینی میفرستید به یک چند نقطه از این نقاط عمارات دولتی دارند مثل اینکه نه نقطه است که دارند در راپورت نوشته شده است از قبیل انزلی، آستارا، بوشهر، بندرجز، سیستان، بندر عباس، مجمره، جلفا، تبریز در یک قسمت ها عمارات دولتی هست و در یک قسمتهائی هم از طرف دولت دستور ساخته شدن داده شده است

اما يك جاهائی كه عمارات دولتی ندارد رئیس گرك وقتی بآنجا می رود البته منزل می خواهد و این منزل را البته باید دولت بدهد .

این حرف مشروع و حسابی است منتهی کمیسیون بودجه مقدار مبلغش را هم معین کرده است که از پنجاه تومان کرایه خانه و اتانیه تجاوز نکند یعنی از بیست و پنج تومان الی پنجاه تومان و این قبیل دقت ها در يك کمیسویی که هجده نفر هستند و شاید در آنجا هم مجال رسیدگی و تحقیق و تدقیق بیش از مجلس شورای ملی باشد و تصور هم نمیکنم ماها میل نداشته باشیم چیزی را بدون جهت و سبب بیاوریم از تصویب مجلس بگذرانیم یا چیزی بگوئیم که خلاف واقع باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای طهرانی - (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طبرانی - بنده با این ماده مواده بعد در دو مخالفم و فلسفه مخالفتم دو امر است

يك امر این است که این اصول غرب نوازی که در مملکت ما پیش آمده است يك مقدمه ای است برای اینکه یکمده زیادی مستخدم که ما از خارجه آوردیم وقتی که دیدند ما يك موضوعی را برای یکی گذرانند این فتح باب می شود و يك راهی پیدا میکنند

مستخدمین غیر بلژیکی هم از هر ملتی که باشند آنها هم همین تقاضا دارند تا بیا مگر مستخدمین خارجی همه خائن بودند که مستخدمین بلژیکی حتماً باید برایشان خانه تهیه شود ؟

مستخدمین ایرانی را هم که از هر کز ماموریت میدهند بروند بيك جائی حقوقشان را هم نمی دهند که بروند بعمل برسند چه فرق میکنند اگر بنا بخدمت است آخر ما مستخدمین ایرانی کم داریم و باید برای آنها هم همین وجه منظور نظر باشد .

ثانیاً عیبی که بیدامی کند اینست که سی نفر ملیت های دیگر در این مملکت هستند که مستخدمین ایرانند آنها هم فردا تقاضا می کنند که چطور شما به بلژیکی ها خانه داده اید باید ما هم بدهیم

چطور بآنها اضافه داده اید ما هم باید بدهیم .

آخر ایرانی ها چه فرق با آنها دارند که باید گرسنه بمانند ؟

شش ماه بشش ماه حقوق بگیرند معهود شدند ؟

ولی مستخدمین خارجی علاوه بر حقوق باید برایشان يك کرایه خانه هم تصویب کنیم .

وزیر مالیه - آقای تهرانی توجه

بفرمائید اینکه ما اینها را کثرت کردیم برای یکمصلحتهای بود والا البته هیچوقت مستخدمین خارجی نمی آوردیم و امیدوارم که در یک مدت قلیلی رفع احتیاجاتمان از مستخدمین خارجی شود

اما مادامی که باید آنهارا نگاه داری کرد

البته یک نفر که از خارج می آید غیر از مردم این مملکت است و با مستخدمین خودمان مطابق قانون استخدامی که شما تصویب کرده اید رفتار نمیکنیم آنها هم راضی هستند و باید هم راضی باشند ولی خارجی ها را که می آوریم باید وسایل که راحتیشان را فراهم کنیم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده فرمایشات آقای وزیر مالیه را تصدیق میکنم ولی آن روزی که می آیند کثرت می شود تمام این جزئیات لازم منظور شده است

برای خانه شان و درشکه شان تمام اینها منظور شده است

دیگر هم روزی که بیایند با این وضع بودجه مملکت ایران بنده صلاح نمیدانم حالا اگر اکثریت آقایان صلاح می دانند بنده مربوط نیست و با این کسر بودجه بیست و هفت هزار تومان بعنوان اندامیه و وجه این حرفها را بنده مقتضی بودجه حاضر نمیدانم

مخبر - برای آقایك اشتباهی حاصل شده است .

اینهارا که کثرت کرده اند برای تهران کثرت کرده اند و قرار شده است که بروند بندر جز یا بوشهر و البته وقتی که میروند بیندر جزیك منزلی می خواهند و این اشکالی ندارد

رئیس - آقای مدرس پیشنهاد کرده اند از دستور خارج شود

مدرس - اگر چه بنظر اینطور می آید که بشخص بنده بر بخورد ولی من از بین مستخدمین خارجی عقیده به بلژیکی ها دارم .

عقیده شخصی من این است چون ده دوازده سال است که در این شهر هستم و آنچه بمن خبر رسیده است و تحقیق کرده ام اینها صادقانه باین مملکت خدمت کرده اند

ولی این لایحه چون با ذهن ما مسبوق نیست توی ذهن بعضی ها میزند آنها حم حق دارند لهذا تقاضا کردم از دستور امروز خارج شود و در خارج در اطراف آن مطالعه بشود یا اینها قانع بشوند با آنها

من مستخدمین بلژیکی را بهترین

اند لهذا اگر آقایان صلاح میدانند باشد به دستور افش مطالعه بشود آقایان قانع بشوند بعد باید به مجلس .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - این رایوروت کمیسیون تقریباً در بیست و دو م رجب طبع شده و توزیع هم شده و در جلسه گذشته هم تقاضا شد که جزو دستور امروز شود

بنده تصور میکنم آقایانی که تقیاً با اینها تامل کنند بوده اند با این رایوروت که قبول میکنند یا رد بکنند مطالعات خود را کرده اند و با اینکه آقای مدرس تصدیق میفرمایند خدمات صادقانه مستخدمین بلژیکی را و تصور میکنم سایر آقایان هم در این باب هم عقیده باشند بنده تصور میکنم زیاد در این باب صحبتی نخواهد شد

مگر اینکه موضوع مکرر شود برای اینکه آقایانی که مخالف بودند دلائل خودشان را اقامه کردند و موافقین هم توضیحات خودشان را دادند و چیزی هم که قاطع است رای است

حالا امروز از دستور خارج بشود و در خارج تبادل نظر اشود نمی دانم عملی خواهد بود یا نه

مگر اینکه آقای مدرس پیشنهادشان را اصلاح بفرمایند که برای جلسه بعد باشد بعد رای بگیرند

مدرس - قبول می کنم

رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می کنند قیام فرمایند

یک نفر از نمایندگان - با اصلاح (عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد

نصرت الدوله - اجازه میفرمائید آقای مدرس خودشان تقاضای اصلاح کرده اند

رئیس - اصلاحی ببندم رسید

نصرت الدوله - بنده پیشنهاد می کنم (پیشنهادی تقدیم نمودند)

پیشنهاد آقای نصرت الدوله بشرح ذیل فرات شد

تقاضایم شود که لایحه امروز از دستور خارج و در جلسه آتی جزو دستور شود

رئیس - توضیحی دارید آقای نصرت الدوله .

خیر توضیحی ندارم

رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

قانون سرباز گیری عمومی مطرح است

مذاکرات راجع بکلیات است

آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده در کلیات عرض ندارم .

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - موافقم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - قانون که وضع می شود نباید از نقطه نظر حسن ظن با سوسه ظن نسبت باشا خاص باشد بنده عقیده دارم که با سایر عقیده خودم را اظهار کنم .

مثلا آقای مدرس (که مقام بنده نیست) بایشان معلوم و مسلم است) با این قانون موافقت بنده اگر بنا باشد به تبعیت ایشان عقیده خودم را گمان کنم عقیده ام است که يك نوع خیانتی عقیده خودم کرده باشم زیاد در این باب صحبتی نخواهد شد

مگر اینکه موضوع مکرر شود برای اینکه آقایانی که مخالف بودند دلائل خودشان را اقامه کردند و موافقین هم توضیحات خودشان را دادند و چیزی هم که قاطع است رای است

حالا امروز از دستور خارج بشود و در خارج تبادل نظر اشود نمی دانم عملی خواهد بود یا نه

مگر اینکه آقای مدرس پیشنهادشان را اصلاح بفرمایند که برای جلسه بعد باشد بعد رای بگیرند

مدرس - قبول می کنم

رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می کنند قیام فرمایند

یک نفر از نمایندگان - با اصلاح (عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد

نصرت الدوله - اجازه میفرمائید آقای مدرس خودشان تقاضای اصلاح کرده اند

رئیس - اصلاحی ببندم رسید

نصرت الدوله - بنده پیشنهاد می کنم (پیشنهادی تقدیم نمودند)

پیشنهاد آقای نصرت الدوله بشرح ذیل فرات شد

تقاضایم شود که لایحه امروز از دستور خارج و در جلسه آتی جزو دستور شود

رئیس - توضیحی دارید آقای نصرت الدوله .

خیر توضیحی ندارم

رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

قانون سرباز گیری عمومی مطرح است

مذاکرات راجع بکلیات است

آقای دامغانی (اجازه)

این بایستی بیکار هارا زیر اسلحه آورده کار دارها را ولی بطور عمومی اشخاصی که دارای مشاغل و کارند مجبور باشند زیر اسلحه بیایند و بالعکس مردم زیر اسلحه نروند خوب نیست و بنده معتقدم بمقتضای حال امر روزی مملکت ما که يك فقر عمومی در مملکت حکم فرماست نظام باید در طلب داشته باشد و بنده عقیده بنظام داوطلب دارم نه اجباری .

(همه هم بین نمایندگان - صدای زنگ رئیس)

کاررونی - بنده عقیده ام این است که باید نظام داوطلب باشد زیرا نتیجه اش این می شود مردم بیکاری که حاضرند منحصراً برای يك لقمه نان يك مشغول یابی برای خودشان تحصیل نمایند مشاغل کار می شوند و بالعکس اشخاصی که دارای مشغول کاری هستند از مشغول خودشان باز نمی مانند و اگر غیر از این باشد بنده عقیده ام این است همانطوری که دولت عثمانی نتیجه خوبی نگرفت ما هم نتیجه خوب نخواهیم گرفت .

يك قدری دقت کنید بین این نظام اجباری که همیشه يك قسمت از مملکت را بحال تراز می اندازد با این و حقیقت امر و زی آ یا هیچ علمه بزرگت و فلاحه . اقتصاد تجارت وارد می آورد یا نه ؟؟

زیرا قبل از همه چیز خواهشمندم در نظر بگیریم و رفقاً در نظر بگیرند نظام باید کاملاً بر طبق احکام و قوانین شرع که يك قانون معین و مشخصی دارد باشد دو مورد دارد باشد یا جهادات یا دفاع . دفاع فرض زمه تمام افراد مردم است بطور وجوب کفائی که از مالشان و جانشان و تمام حیثیتشان از وطن و دین خودشان دفاع و مدافعه بنمایند و این يك ترتیبی دارد معین .

یا این است که جهادات از روی يك شرایط معین در موقعش باید اشخاص معین زیر اسلحه بروند و بنده با موافق هستم .

یا این است که ما بایستی اگر امروز مقتضی ندیم که بتام معنی آن قانون را در موقع عمل بگذاریم ملاحظه کنیم به بینیم بهترین دول عالم چطور معاملاتی میکنند ما هم از امور آن ها تبعیت کنیم

يكی از دولی که در امور مملکتی خیلی خوب کار می کند در مملکت داری قابل است انگلیس است نظام اجباری ندارد

زاین است که مترقی است و هم متمم هم متقدم است و هم متجدد است و نظام اجباری ندارد .

يكی امریکا است که نظام اجباری ندارد و بالاخره بسیاری از دول متممده است که نظام اجباری ندارد

دولت عثمانی نظام اجباری داشت لیکن مراجعه کنید ببینید اثراتی که نظام اجباری برای دولت عثمانی گذاشت چه بود و چه نتیجه گرفتند این است عقاید من

سالار اشگر مخیر کمیسیون نظام - البته آقایان محترم تصدیق می فرمایند که این قانون یکی از مهمترین قوانینی است که بمجلس آمده و البته وضعیت روحی يك مملکتی را بگلی تغییر خرابه داد و بگقدم بزرگی است بطرف ارتقاء و تجدد و دخول در عداد ملل حیه

رای اینکه ملل حیه مللی هستند که همیشه از حقوق خود بتوانند دفاع کنند و در رشته دولی محسوب شود که افراد در حفظ مملکت شرکت می کنند

حالا مسائلی را که آقای کازرونی فرمودند بگلی یکی جواب می دهم و آنها را رد می کنم

اولا ایشان نسبت باخلاق فرمودند و فرمودند پس از آنکه يك عده داخل شدند باید دید اخلاق آنها چه میشود

در این جا يك دورو تسلسلی است هم باید مشاهده کرد که برای دخول در نظام چه اشخاصی لازم است و هم باید دید از آنها با چه اخلاقی بیرون می آید .

مسئله دیگری که آقای کازرونی فرمودند اصول داوطلبی بود که فرمودند اشخاص بیکار و اشخاصی که هیچ نمی توانند از هفده معاش خود بر آید آنها بردند و داوطلب در يك عده قشونی با آمد

که برای اخذ يك وجوهانی داوطلب میشوند نه برای خدمت نظامی یا دفاع از مملکت و بالاخره اصول داوطلبی این قانون را متزلزل میکند

برای اینکه در چند سال اخیر بر ما ثابت شد که چیز بدی است برای اینکه زاندارم را بطور داوطلب میگرد بر یکار و قزاق هم داوطلب بود و بالاخره بعد از يك مدتی بترتیب بنتیجه مراجعه شد معایب داوطلب این است اشخاصی که می روند آنها و داوطلب میشوند البته اخلاق خوبی ندارند

ولی وقتی که جامعه مردم برای خدمت سربازی حاضر شدند آن وقت از تمام خوش اخلاق های مملکت و اشخاص صحیح می روند در تحت بیرق دولت و در آنها مشغول خدمت میشوند و در آنها البته اخلاقشان از هر حیث بهتر میشود .

اولا تساوی که از حیث طبقات پیدا میشود یعنی در نظام اجباری طبقات ممتازه و عالی ورنجیر و رعایا تمام در يك مقصد دوش بوش سر میکنند و تربیت میشوند و همه آنها همدیگر را خواهند ساخت و خواهند دید که با هم چه تفاوتی دارند و اشخاصی که از طبقه پایین هستند با معاشرت

طبقات عالیه البته کسب اخلاق بهتری می کنند .

از آن طرف اشخاص بالاتر و ناز پرورده در ثروت در آنجا بشقت و زحمتی که طبقه رنجبر دارند آشنا میشوند اینها که با هم مزوج شدند از آنها يك جامعه تولید می شود که حس میکنند مملکت چیست و وطن چیست و بالاخره خودش را در موقعش برای جهاد و دفاع مهیا میکنند .

و اینکه مخیر فرمودند شرفه آفاق یا جهاد لازم است چون خود آقای کازرونی جزء مجاهدین بودند میمانند که اگر کسی قبل از وقت عادت بتفنگ یا توب انداختن نداشته باشد چطور می تواند در مقابل يك عسا کر منظمه جهاد کند و همین اصول سرباز گیری عمومی اساساً از روی شرع بوده و خود مردم باید بالطبع حاضر شوند .

لها هم از حیث اخلاق وهم از حیث شرع .

بنده تصور میکنم که بهترین مسائل مسئله نظام اجباری است .

حالا آمدیم سر منافع باید دید که برای ملت چه مناسمی دارد و برای دولت چه منافعی دارد .

آنچه منافع که راجع بمملت بود منحصراً حالاً می آیم بر سر منافع دولت .

آقای کازرونی در ضمن بیان ایشان از ژاپون و امریکا صحبت فرمودند که نظام اجباری ندارند .

بنده اگر چه نمیخواهم با آقایان تصدیق بدهم .

ولی اگر بتاریخ مراجعه کنند ملاحظه خواهند کرد آنچه که دولت ژاپون است اگر نظام اجباری نداشت باین درجه ارتقاء و عظمت نمیرسید و در آن مملکت این مسئله کاملاً جاری است .

نظام اجباری معناتی که برای این دولت دارد این است که ارزان تمام می شود و پس از آنکه برای دولت ارزان تمام شد آنوقت يك طبقاتی از جمعیت تولید میشود و بطوری که در قانون ملاحظه می فرمائید طبقات مقدم و ذخیره ثالی و یاسیان

ولی در اصول داوطلبی يك آدمی که از يك جائی بیاید و معلوم نباشد که اخلاق او چطور است این شخص چهار پنج سال خدمت میکند و زحمات دولت و مخارج دولت نسبت باین آدم بهتر می رود و در موقع لزوم بدر نمیخورد

ولی با ترتیب نظام اجباری بترتیبی که تمام ملل دنیا آنرا اتخاذ کرده اند خیلی منافع دارد .

حالا متد کر میشود که کی آنرا اتخاذ

کرده اند .

اساس اینقضیه در موقمی بود که اینلئون بادولت پروس میبچنگید و پس از شکستی که با آنها در دنیا داد قشون دولت پروس را محدود کردند به هشتاد هزار نفر که دولت پروس حق نگاهداری بیش از هشتاد هزار نفر نظامی نداشته باشد .

آنها این ترتیب را محرمانه اتخاذ کردند که پس از سه چهار سال که مجدداً جنگ شروع شد بجای هشتاد هزار نفر سیصد هزار نفر خبر کردند .

پس از آن در اغلب ممالک دنیا بجز ممالکی که مثل امریکا احتیاج زیاد به ریا و کشتی دارند .

در سایر ممالک متممده این ترتیب اتخاذ شده است .

بجز ممالک مغلوب که می گویند زیادتر از فلان حد نباید قشون داشته باشند والا مملکت مستغلی که روی پای خودش می خواهد زندگی کند باید قشون اجباری داشته باشد .

باید افرادش تحت سلاح بروند و صرفاً این ترتیب این است که وقتی ما پنجاه هزار نفر تحت سلاح داشته باشیم .

در موقع لزوم با این ترتیب ذخیره داری صدوینجاه و دو یست هزار نشویم و فعلاً هیچ دولتی نیست که امروز ترتیب داوطلبی یا طریق دیگری را اتخاذ کرده باشد

فقط دولت انگلیس قبل از جنگ بترتیب داوطلبی بود و این ترتیب برای این بود که احتیاج او بقشون بری خیلی کم است و مملکتی است بهری و در موقع جنگ بین الملل آقایان مطلع هستند که قشون اجباری را داخل مملکت خودشان کردند و بواسطه همان قشون اجباری بود که فتح هم کردند و هم فتح آنها بتأخیر افتاد .

زیرا اگر از اول قشون آنها زیاد بود جنگ بین الملل پنج شش سال طول نمی کشید و امروزه دولی که قشون اجباری نمی گرفتند مجبور شده اند که برور این ترتیب را عمل کنند .

این است که تصور میکنم از هر حیث این بهترین قانون باشد .

در کلیات هم گمان نمی کنم آقایان محترم نظریاتی داشته باشند و راجع بمواد هم خود دولت در بعضی مواد يك نظر یاتی برای جرح و تعدیل دارد که ممکن است در ضمن شور آن اصلاحات بعمل آید و بیش از این هم نمیخواهم در کلیات صحبت کنم .

عرایض بنده همین بود که عرض کردم

رئیس الوزرا - بنده بل از آقای سالار اشگر میخواستم عرایضی عرض کنم

ولی فرض نشد.
و همینطور عرض میکنم که نطق آقای کازرونی هیچ طرف انتظار نبود و جای تأسف بود که در مقابل يك همچو قانونی اظهار مخالفت بشود.
ولی بطور خلاصه عرض میکنم که این ترتیب ب نتیجه حاضره قابل ادامه نیست و شش ماه شاید بگذرد که نمیتوانیم از روی نتیجه نقرات بگیریم و مملکت هم بی یاسبان نمیشود.
همین دو اصل را در نظر بگیرید و پیش از این هم بنده عرض نمی کنم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
(بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رأی می گیریم
آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند.
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - معلوم میشود کافی است.
رأی میگیریم برای دخول رشورمواد.
آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند
(اغلب برخاستند)
رئیس - تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده میشود.
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - ماده اول قرائت میشود
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده اول - کلیه اتباع دولت ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قرا و ایالات بخدمت سربازی مکلف میباشد.
رئیس - آقای دامغانی.
دامغانی - ما میخواهیم قشون اجباری شود برای اینکه دولت عده نظامی و یاسبان و ذخیره بقدر احتیاج داشته باشد و البته بنای قانون از بدو اسلام هم همین طور بوده برای اینکه اگر این حکم نظامی بودن و سربازی شدن عدل است تعلق بهمه داشته باشد و اگر ظلم است ظلم بالسویه هم عدل است بعقیده بنده تنها اجباری بودن قشون کافی نیست.
برای اینکه دولت بتواند احتیاجات خودش را اداره کند بلکه علاوه بر نظام اجباری يك تربیاتی هم باید در ضمن باشد که هر کس شود از خوف و طمع.
مثلاً سربازونا بین را به اندازه حقوق بدهد که کفایت مخارجش را بکنند بنابراین باید دولت از بعضی محلها بگردد و بر حقوق سربازو تا این بقزاید تا آنها هم بتوانند امور معاش خود را هم اداره کنند و همچنین جامعه باید از آنها قدرشناسی کند و يك احتراماتی بخصوص برای افراد پست سرباز فائل شود تا اینکه این دو قسمت موجب تشویق مردم شود و علاوه بر اینکه اجباری است خود مردم هم يك رغبه

داشته باشند و الا همیشه دولت محتاج میشود فراری را مقب کاند بطوریکه عملاً هم تا بحال دیده نشده و برخلاف احساسات آقای کازرونی
بنده معتقدم که خدمت قشونی بزرگترین خدمت است
برای اینکه حضرت امیر میفرماید ان الجهاد باب من ابواب الله مفتوح الیه لغاده اولیایه
حضرت امیر علیه السلام این قسمت را اختصاص میدهد از برای خواص مردم - نه مردم پست و خیلی شغل بزرگی است و با شرافت ترین کارهاست
دیگر اینکه بنده در این ماده معتقدم که باید بین قوا و حکومت يك تناسب باشد و سختی بن علت و معلول معروف است و لازم است.
یعنی همانطور که قشون باید متعهد - الشکل باشد همانطور باید متعهد الفکر هم باشد.
متعهد الفکر بودن قشون موقوف بر این است که از کلیه اتباع مملکت سواى ملل متنوعه سرباز گرفته شود برای اینکه ملل ملل متنوعه در امان و تأمین حکومت اسلام هستند و قوای اسلامی عهده دار حفظ ملل متنوعه است و در ممالک اسلامی اسلام بعهده گرفته است که آنها را حفظ کند و حواشی آنها را در مقابل يك مبلغ مالی ادا کند و علاوه بر بجزیه ثابت شده است و در جنگ بین المللی دیده شد
وقتی که روح قشون با روح حکومت مخالف بود بفتح حکومت خانه پیمان یافت مثلاً قشونی که عثمانیها از ارمنه داشتند بفتح عثمانیها خانه پیدا نکرد.
خانه پیدا نکرد.
رئیس - بکفوری ملاحظه کنید چرا قانون از بدو اسلام هم همین طور بوده برای شدن عدل است تعلق بهمه داشته باشد و اگر ظلم است ظلم بالسویه هم عدل است بعقیده بنده تنها اجباری بودن قشون کافی نیست.
برای اینکه دولت بتواند احتیاجات خودش را اداره کند بلکه علاوه بر نظام اجباری يك تربیاتی هم باید در ضمن باشد که هر کس شود از خوف و طمع.
مثلاً سربازونا بین را به اندازه حقوق بدهد که کفایت مخارجش را بکنند بنابراین باید دولت از بعضی محلها بگردد و بر حقوق سربازو تا این بقزاید تا آنها هم بتوانند امور معاش خود را هم اداره کنند و همچنین جامعه باید از آنها قدرشناسی کند و يك احتراماتی بخصوص برای افراد پست سرباز فائل شود تا اینکه این دو قسمت موجب تشویق مردم شود و علاوه بر اینکه اجباری است خود مردم هم يك رغبه

ولی فرض نشد.
و همینطور عرض میکنم که نطق آقای کازرونی هیچ طرف انتظار نبود و جای تأسف بود که در مقابل يك همچو قانونی اظهار مخالفت بشود.
ولی بطور خلاصه عرض میکنم که این ترتیب ب نتیجه حاضره قابل ادامه نیست و شش ماه شاید بگذرد که نمیتوانیم از روی نتیجه نقرات بگیریم و مملکت هم بی یاسبان نمیشود.
همین دو اصل را در نظر بگیرید و پیش از این هم بنده عرض نمی کنم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
(بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رأی می گیریم
آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند.
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - معلوم میشود کافی است.
رأی میگیریم برای دخول رشورمواد.
آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند
(اغلب برخاستند)
رئیس - تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده میشود.
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - ماده اول قرائت میشود
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده اول - کلیه اتباع دولت ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قرا و ایالات بخدمت سربازی مکلف میباشد.
رئیس - آقای دامغانی.
دامغانی - ما میخواهیم قشون اجباری شود برای اینکه دولت عده نظامی و یاسبان و ذخیره بقدر احتیاج داشته باشد و البته بنای قانون از بدو اسلام هم همین طور بوده برای اینکه اگر این حکم نظامی بودن و سربازی شدن عدل است تعلق بهمه داشته باشد و اگر ظلم است ظلم بالسویه هم عدل است بعقیده بنده تنها اجباری بودن قشون کافی نیست.
برای اینکه دولت بتواند احتیاجات خودش را اداره کند بلکه علاوه بر نظام اجباری يك تربیاتی هم باید در ضمن باشد که هر کس شود از خوف و طمع.
مثلاً سربازونا بین را به اندازه حقوق بدهد که کفایت مخارجش را بکنند بنابراین باید دولت از بعضی محلها بگردد و بر حقوق سربازو تا این بقزاید تا آنها هم بتوانند امور معاش خود را هم اداره کنند و همچنین جامعه باید از آنها قدرشناسی کند و يك احتراماتی بخصوص برای افراد پست سرباز فائل شود تا اینکه این دو قسمت موجب تشویق مردم شود و علاوه بر اینکه اجباری است خود مردم هم يك رغبه

جهد بود یعنی در هزار و سیصد سال قبل پس تاریخ نشان میدهد که در هزار و سیصد سال قبل قشون عمومی و اجباری بوده است و این مسئله است که آقایانی که اهل فقه هستند میدانند که يك بابی از ابواب کتب ماسبق و رومایه است.
یعنی مشق کردن به تیراندازی و اسب سواری این البته بمقتضای آن روز بوده است و سواری و تیراندازی شخصی راز برای علم جنگ همیا کرده است.
ولی اگر امروز کتاب بنویسیم می - نویسیم: قطار سواری.
پس باید عموم مسلمین همیا باشند از برای اینکه اگر اتفاقی افتاد بتوانند دفاع کنند و اگر اتفاق بیفتد جهاد هم میتوانند بکنند.
چون عقیده ما در زمان غیبت دفاع است و در زمان غیبت ما عقیده بجهاد نداریم.
یعنی حمله به غیر نمیکنیم اما هر کس با حمله کند همان قسم که بر هر مکلفی نماز واجب است واجب هم هست که دفاع کند.
(جمعی از نمایندگان صحیح است)
بنام علیها هر مسلمانی که عقیده بنماز و خمس و زکوٰه و حج دارد باید بجهاد و دفاع عقیده داشته باشد و این عقیده هم همینطور دیده ندارد که من عقیده داشته باشم اگر دزد خانه ام آمد در بوم - اینکه فایده ندارد باید یاد بگیریم که در نروم حالا اگر آقایان در اینجا تأمل دارند و میفرمایند که آن چند تا دیگر را باید یاد گرفت.
اما این یکی را نباید یاد گرفت و هر وقت دشمن آمد آن وقت آدم در برود.
بنده عقیده ام این است که هر کس صاحب این عقیده باشد منکر ضروری از ضروریات دین اسلام است.
یعنی کافر است پس باید آن را هم یاد بگیریم و مسئله که آقایان فرمودند که يك قسمتی را یاد بگیریم و يك قسمتی را یاد نگیریم اینطور نیست و آن وقتی که نتیجه را قراردادند که اجباری خصوصی باشد یا شاید قدرت نداشتند و الا اگر قدرت داشتند چون مردم همیا نبودند نمیشده است.
لکن امروز من عقیده ام این است که مردم هم همیا هستند چون دیده اند که اکثر بلکه تمام دنیا بلد هستند من زاپوون آن جا هارفته ام.
ولی اینها همی که می شنوم می گویند همه مردم بلد هستند.
ما هم میخواهیم بلد باشیم.
حالا اگر آقایان طریقى برای این که هم جنگ کردن را بلد باشند غیر از این طریق در نظر دارند همان را پیشنهاد میکنند برای اینکه مقصد این است که همه

یاد بگیرند.
آقای کازرونی چون اهل ولایتشان همه بلد هستند.
چون من دشتی و دشتستان بوده ام دیدم که مردم آن جا همه اسب سواری و تیراندازی را بلد هستند.
اما طهرانى ها هیچکدام بلد نیستند باید یاد بگیرند و برای همه هم اسباب زحمت است و از حالا باید شروع کرد تا در ظرف ده یا پانزده سال دیگر که ما ماهه مردم این وقت همه این قسمت را بلد باشند و باقی قسمت ها را اگر سامعه میکنند این يك قسمت را بجهت دینشان و مملکت شان و استقلالشان بالاتر بگیریم بجهت بنا و مزاجشان خوب است عمل کنند.
همه اینها حکمت های فوق العاده دارد و اختصاص بیک حکمت و دو حکمت ندارد و در بعضی فرمایشاتی که بعضی از آقایان فرمودند البته بمقتضای مذاقشان فرمودند.
شاهزاده سلیمان میرزا بودند در سفر شیرین حساب کردیم که مخارج يك فوج قشون داوطلب مامساوی با مخارج ۶ فوج قشون عثمانی بود چون آن روز ما هم داوطلب کار و اهل جنگ بودیم و بدقت حساب کردیم دیدیم که مخارج يك فوج ژاندارم مساوی با مخارج شش فوج قشون عثمانی بود.
داوطلب معنایش این است که هر چه پول زیاد تربندند می آیند و فراهم کرداش نمیخواهد نمی آید وقتی که ما جنگ نداریم بقدری داوطلب جمع میشود که نهایت ندارد.
اما اگر صدای شیور بلند شد صبح که رئیس قشون با صاحب منصب بیدار می شود خودش است و اسبش.
چرا اینطور است؟ برای اینکه داوطلب است.
این را باید ایرانی ها بدانند که تکلیف بدمی من که وطن را خیلی هم دوست دارم این است که اینطور عمل عمل کنم و وطن پرست هم آن است که بنده عرض می کنم ما میخواهیم مملکتمان و دیمار آفرین بشود.
کاری هم بکسی نداریم
اما اگر کسی کار بدارد داشته باشد بتوانیم در نرویم.
این مقصود اصلی است.
پس بنام علیها اگر آقایان طریقى بهتری در نظر داشته باشند ممکن است بفرمایند.
اما من بس خیال میکنم این طریق خوب طریقى است و این نوایى را که می نوشته (بر نخورد بهیئت دولت) حتی لوایى را هم کفصلا می نویسد وقتی که آدم نگاه می کند می بیند که خیلی اشکال دارد.
لیکن از باب اتفاق نمایانم چطور

شده و ازدعای کی بوده است. از اقدام کی بود است که این لایحه نوشته شده است و من آن را مطالعه کردم دیدم کم اشکال است و تعجب کردم و گفتم شاید اساتیدی در کار بوده اند که ما آن ها را نمی شناسیم و خیلی مهارت داشته اند از این جهت من موافق و گمان می کنم بآن ترتیبی که در نظر است اگر دولت موفق بشود آن ترتیب را اجرا کند خیلی خوب است و آن ترتیب این است جوان هائی که می روند زیر اسلحه دو چیزشان محفوظ باشد.
یکی صحتشان که خیلی مهم است و یکی هم اخلاقشان و اگر این دو کار را کردیم بهترین قدمی است که از برای مملکت برداشته ایم و این کار بسیار خوب است. چه عیب دارد که پسر من زیر اسلحه برود آیا شما هیچ جا عکس و شکل حضرت امیر را دیده اید؟
بنده گمان می کنم خیلی کم جانی دیده شده است که شکل حضرت امیر باشد و بی شمشیر باشد.
آخر آنها که شمشیر داشته اند این تعلیم است برای ما که ما هم برداریم پس عیب و عار نیست بلکه فخر است که این کار را بکنیم.
والله مجلس شورای ملی و دولت های ما باید مراقبت کامل داشته باشند که اخلاق آنها محفوظ باشد حیثیتشان هم محفوظ باشد.
البته می روند مشق می کنند و علم پیدا می کنند.
لیکن ضمناً عرض می کنم که این تکلیف بر مسلمین واجب است چون دیدم بعضی از آقایان نظرشان بر غیر مسلمین هم هست عرض می کنم بر غیر مسلمان واجب نیست.
لدى الاقتضاء ممکن است دولت آن ها را بخواهند توی سرشان بزنند و آنها را بیاورند اقتضای آن کسی که را که باید توی سرش بزنند و وارد کنند مسلمان است که اگر بتکلیفش عمل نکرد باید اجباراً او را آورد.
اما غیر مسلمانی که تبعه ایران هستند مجبور نخواهند بود دولت لدى الاقتضاء می تواند آنها را استخدام کند.
اما اگر او حاضر نشود دولت نمی تواند مجبورش کند.
و این یکی از فلسفه های بزرگی است بجهت مراعات آنها.
حالا می بینم آقایان دست می زنند بغیالشان برخلاف ترتیب است خیر این فوق عدالت است بلکه خیلی تفضل است که نسبت بما این را احیاء کرده است و نسبت بآنها اجبار نکرده است این است عقیده من بی - ش نهادی هم در این زمینه کرده ام.

رئیس الوزرا عرض فرمایند آقای مدرس روی دواصل بود:
یکی از نقطه نظر حفظ الصحه و اخلاق. البته آقایان تصدیق خواهند کرد در وضع قشون امروزه این دو نکته خیلی مراعات شده است.
و علاوه در همین قانون هم قید شده است.
قسمت دوم راجع بملل متنوعه فرمودند که آنها مجبورند نیستند البته منظور آقای مدرس این است که این افتخار نصیب مسلمان ها باشد و بنده تصدیق می کنم که آنها نباید مجبور باشند.
ولی در مواقع لزوم باید در خدمت قشون بیایند.
(بعضی از نمایندگان گمان می کردند در خدمت های یائین تری که کمتر از صف است داخل می شوند.
(بعضی از نمایندگان گمان می کردند که کمتر از صف است داخل می شوند.
(بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس رأی می گیریم. آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند.
(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. پیشنهاد ها قرائت می شود.
(بعضی ذیل قرائت شد)
پیشنهاد آقای داوور.
بنده پیشنهاد می کنم ماده ۱ بطریق ذیل اصلاح شود.
کلیه اتباع دولت ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قرا و ایالات و ایرانیان مقیم خارجه بخدمت سربازی مکلف می باشند.
پیشنهاد آقایان حاج سیدالمحققین و طهرانى:
این جانبان پیشنهاد می نمایم که پس از لفظ ایالات اضافه شود چه در داخل مملکت باشند و چه در خارج.
پیشنهاد آقای سرکشیک زاده:
بنده در ماده اول اصلاح ذیل را پیشنهاد می کنم:
ماده ۱ - کلیه اتباع ذکور - الی آخر
پیشنهاد آقای صدرالاسلام
نظر باینکه در ماده ۱ بطور عموم کلیه اتباع ایران ذکر شده و در هیچ ماده دیگری طبقه نسوان از این اطلاق و عموم استثناء نشده پیشنهاد می کنم که در ماده اول توضیح داده شود یا در فصل دوم در تحت ۱ ماده زن ها را مستثنی و معاف نمایند.
پیشنهاد آقای دامغانی
بنده پیشنهاد میکنم ملل متنوعه از خدمت سربازی معاف و در عوض مساهمت مالی بر ایشان فرض بشود.
پیشنهاد آقای مدرس

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود:
کلیه اتباع مسلمان ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قرا و ایالات بخدمت سربازی مکلف میباشد و سایر اتباع لدى الاقتضاء استخدام خواهند شد.
پیشنهاد آقای کی استوان
ماده اول اینطور نوشته شود:
کلیه اتباع ایران بخدمت سربازی مکلف می باشند.
رئیس - ماده دوم:
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده ۲ - مدت خدمت سربازی از سن ۲۱ سالگی شروع شده و در ۴۵ سالگی خاتمه می یابد و این ۲۵ سال سه دوره تقسیم میشود.
دوره اول خدمت نظامی و مدت آن ۶ سال است دو سال اول تحت سلاح و ۴ سال بعد احتیاط.
دوره دوم - ذخیره و مدت آن ۱۳ سال است.
شش سال اول ذخیره می دم و ۷ سال دوم ذخیره تالی.
دوره سوم - یاسبان و مدت آن شش سال است.
تبصره - در حوزة ایکه تحریر نفوس و قانون سجد احوال اجراء شود سپس سرباز گیری اجباری شروع خواهد شد.
رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
شریعتمدار دامغانی - در اینجا ابتدای خدمت سربازی را از ۲۱ سالگی گرفته اند و بعقیده بنده کم است برای اینکه در سن ۲۱ سالگی هنوز بنیه شخصی بطوری قوی نیست که بتواند از عهده وظایف نظامی بر آید و بنده معتقدم که باید ابتدای خدمت را از سن ۲۵ سالگی گرفت ۶ سال دوره خدمت نظامی ۸ سال برای ذخیره و شش سال هم دوره یاسبان باشد.
تأیید بکفوری این ماده مجمل است هیچ در اینجا پیش بینی نشده است که بعد از اینکه این قانون تصویب شد اشخاصی که سنشان ۲۵ سال است یا در بین این سنوالت واقفند تکلیف اینها چیست اگر اینها بنا باشد سرباز شوند دوره خدمت و ذخیره و یاسبان چقدر است؟
و دیگر در اینجا در تبصره نوشته است (در حوزة که تحریر نفوس و قانون سجد احوال اجراء شود سپس سرباز گیری اجباری شروع خواهد شد)
البته قانون سجد احوال در تمام مملکت یکمرتبه اجراء خواهد شد و بطور اختلاف اجراء خواهد شد در اینصورت آنجا هائی که شروع نشده و عقب مانده در آن نقاط تکلیف سرباز چه خواهد شد؟
آیا باز از روی نتیجه قدیم است از روی این قانون؟ خوب است آقای مخبر توضیح

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود:
کلیه اتباع مسلمان ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قرا و ایالات بخدمت سربازی مکلف میباشد و سایر اتباع لدى الاقتضاء استخدام خواهند شد.
پیشنهاد آقای کی استوان
ماده اول اینطور نوشته شود:
کلیه اتباع ایران بخدمت سربازی مکلف می باشند.
رئیس - ماده دوم:
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده ۲ - مدت خدمت سربازی از سن ۲۱ سالگی شروع شده و در ۴۵ سالگی خاتمه می یابد و این ۲۵ سال سه دوره تقسیم میشود.
دوره اول خدمت نظامی و مدت آن ۶ سال است دو سال اول تحت سلاح و ۴ سال بعد احتیاط.
دوره دوم - ذخیره و مدت آن ۱۳ سال است.
شش سال اول ذخیره می دم و ۷ سال دوم ذخیره تالی.
دوره سوم - یاسبان و مدت آن شش سال است.
تبصره - در حوزة ایکه تحریر نفوس و قانون سجد احوال اجراء شود سپس سرباز گیری اجباری شروع خواهد شد.
رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
شریعتمدار دامغانی - در اینجا ابتدای خدمت سربازی را از ۲۱ سالگی گرفته اند و بعقیده بنده کم است برای اینکه در سن ۲۱ سالگی هنوز بنیه شخصی بطوری قوی نیست که بتواند از عهده وظایف نظامی بر آید و بنده معتقدم که باید ابتدای خدمت را از سن ۲۵ سالگی گرفت ۶ سال دوره خدمت نظامی ۸ سال برای ذخیره و شش سال هم دوره یاسبان باشد.
تأیید بکفوری این ماده مجمل است هیچ در اینجا پیش بینی نشده است که بعد از اینکه این قانون تصویب شد اشخاصی که سنشان ۲۵ سال است یا در بین این سنوالت واقفند تکلیف اینها چیست اگر اینها بنا باشد سرباز شوند دوره خدمت و ذخیره و یاسبان چقدر است؟
و دیگر در اینجا در تبصره نوشته است (در حوزة که تحریر نفوس و قانون سجد احوال اجراء شود سپس سرباز گیری اجباری شروع خواهد شد)
البته قانون سجد احوال در تمام مملکت یکمرتبه اجراء خواهد شد و بطور اختلاف اجراء خواهد شد در اینصورت آنجا هائی که شروع نشده و عقب مانده در آن نقاط تکلیف سرباز چه خواهد شد؟
آیا باز از روی نتیجه قدیم است از روی این قانون؟ خوب است آقای مخبر توضیح

تدین-ابدانمیشود.
 یاسائی-بنده حالا توضیح می دهم که ببینید میسرود یا نه؟
 مطابق این قانون شما میخواهید اصول نتیجه را انشاء کنید وقتی که انشاء کردید آنوقت موافق این ترتیب باید رفتار کنید فرض بفرمائید سرباز دامغانی که الان سر خدمت است یا نصدوبیست و پنج نفر مشغول خدمت هستند.
 دوره خدمت شان ۳ ساله است. دو سال و نیم گذشته است. شش ماه دیگر مرخص می شوند.
 خوب حالا که مرخص شدند آنوقت شما میخواهید از دامغان مطابق این قانون نظامی بگیریید.
 یعنی از اشخاص ۲۱ ساله آیا اینها بدر فرزند و جنگ میخورند.
 خیر زیرا باید سرباز دوره اش را طی کند و بیرونش کند تا بتواند خدمات نظامی را انجام دهد.
 پس بعقیده بنده این مسئله موجب اختلال میشود و باید پیش بینی کرد و بعقیده بنده باید از اشخاصی که از ۲۰ سال سنشان شروع میشود تا سی سال آنها بدریخده شود شوند تا اینکه بجای افرادی که فعلا مطابق نتیجه حاضر خدمت هستند بتوانند از یک عاشر دیگری کاملا صلاحیت قشونی را دارا باشند تهیه کنند و الا اگر بنا باشد که یک عده اشخاص ۲۱ ساله بیابور بدو وارد در نظام کنید بنده نمی دانم چه صورتی پیدا می کند.
 رئیس الوزرا-این تعیین سنی که برای سربازی عمومی شده است حدا کثریست که مطابق قوانین تمام دنیا منظور داشته ایم و در سایر نقاط در مواقع لزوم از ۱۶ سالگی و ۱۷ سالگی و در مواقع عادی از ۱۸ سالگی سرباز میگیرند و ۲۱ سال حدا کثر است و بالاتر از آنها هم از نقطه نظر نظامی وضعی صلاح نیست.
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
 رئیس-بیشنهاذ قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)
 پیشنهاذ آقای مدبر الملک بنده پیشنهاذ میکنم در ماده دو بجای ۲۱ سال ۲۲ سال نوشته شود.
 پیشنهاذ آقای میرزا آقاخان نظر باینکه دوره تحصیل را تمام نکرده لذا پیشنهاذ میکنم از بیست و پنج سالگی شروع شود.
 پیشنهاذ آقای محمدولی میرزا پیشنهاذ میکنم در ماده ۲ از سن ۲۰ سال باشد.
 پیشنهاذ آقای طهرانی این بنده پیشنهاذ می نمایم که عبارت باین طریق اصلاح شود که پس از تمام شدن بیست سال شمس مدت سربازی شروع شود.

الی آخر.
 پیشنهاذ آقای کازرونی بنده پیشنهاذ میکنم ماده دوم اینطور اصلاح شود:
 سرباز گیری از سن ۲۰ سالگی شروع میشود. الی آخر
 رئیس-ماده سوم قرائت میشود: (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۳- ترتیب احضار هر یک از دوره های سه گانه مذکور در ماده دوم مطابق نظامنامه تجهیزات عمومی وزارت جنگ معین خواهد شد و در مواقعی که تجهیز جزو احضار قسمتی از قشون را ضرورت ایجاد نماید از دوره احتیاط شروع و بیاسبان ختم خواهد شد.
 رئیس- آقای دامغانی (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- عرضی ندارم
 رئیس- آقای یاسائی (اجازه)
 یاسائی- عرضی ندارم
 رئیس- آقای طهرانی (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانی- عرضی ندارم.
 رئیس- آقای دستغیب (اجازه)
 دستغیب- عرضی ندارم
 رئیس- مخالفی ندارم- ماده چهارم (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده ۴- مملکت ایران ۶۷ ناحیه سرباز- گیری مطابق تشکیلات قشونی تقسیم می گردد.
 رئیس- مخالفی دارد؟
 شریعتمدار دامغانی- بنده مخالفم
 رئیس- بفرمائید
 شریعتمدار دامغانی- البته این ۶ ناحیه که در اینجا سرباز گیری فرسوده طوری نیست که سرباز هائی را که در محل میخواهند بگیرند همه را بیابورند در آن ناحیه بایستی مأمورینی داشته باشند که حوزه های جزئی تشکیل بدهند که در همان حوزه های جزء سرباز ها را تهیه کنند و هر کس هم که قرعه بنام او آمد برای سرباز گیری جلب شود و بنده عقیده دارم که باید یک ضمیمه در این ماده باشد که مملکت ایران بشش ناحیه سرباز گیری مطابق تقسیمات قشونی فعلی تقسیم می شود و هر ناحیه نیز بجوزء های جزء تقسیم میگردد.
 مغیر- در این مسئله را که آقا فرمودند یک چیزی است طبیعی برای اینکه در این جا نظامنامه که بمجلس نیابورده اند این قانون است و البته یک تیپ های مختلف در قشون هست.
 افواج مختلف گروهان های مختلف در نواحی سرباز گیری و در مرکز

کل البته یک شعبات جزئی هم هست و این مربوط به نظامنامه است و به این جا مربوط نیست.
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
 رئیس - ماده ه قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۵- افراد قشونی در مراکز حوزه های سرباز گیری خود گرفته خواهند شد.
 رئیس- آقای دامغانی (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- عرضی ندارم
 رئیس- مخالفی ندارم؟ گفته شد خیر-
 ماده ۶ (اینطور خوانده شد)
 ماده ۶- مادامی که احتیاجات قشونی کمتر از میزان افراد است که به سن سربازی داخل شده اند دولت هر ساله بقدر احتیاجات خود افراد لازم را با اصول قرعه از بین افراد واجد شرایط سربازی انتخاب می نماید و آنهایی که قرعه بنامشان اصابت ننماید تا آخر دوره دوم جز ذخیره محسوب خواهند شد و افراد ذخیره هر دو سال یک ماه برای مشق نظامی حاضر میشوند.
 رئیس- آقای دامغانی (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- این جا تصریح می کند که اگر دولت بقدر افراد احتیاج به قشون نداشت به حکم قرعه یک عده را انتخاب می کنند و یک عده را جزء ذخیره محسوب خواهند داشت.
 البته تصدیق می شود که قرعه هیچ ماطفه ندارد و هیچ مرجعی هم در نظر نمی گیرد ممکن است صد نفر باشند و دهنفر رادولت احتیاج داشته باشد آن وقت قرعه بنام یک دهنفری بیرون بیاید که در نهایت فقر و پریشانی و تأهل باشند بعقیده بنده باید یک زحماتی قائل شد مثلا اول باید دو قسمت کرد زن دارها و عرب ها آنها را که زن دار هستند مستثنی هستند و بین عربها قرعه بکشند بدهم اگر لازم شد بین اولاد دار هاوبی اولاد ها یک مرجعی باشد و در ضمن یک تشویقی هم شده باشد باین که مردم ازدواج نمایند مثل حال مردها وزن ها بلا تکلیف نباشند و بالاخر قرعه موقعی است که امر مشکل شود و هیچ مرجعانی هم نباشد ولی در صورتی که یک مرجعی باشد البته باید عمل ترجیح کرد و قرعه آخر- الدواع است.
 مغیر- در این مسئله که آقای دامغانی فرمودند البته موضوع قرعه خیلی قضایا راهل می کند و بالاخر قرعه احتیاجات را تأمین میکند و عمومی هم نخواهد بود چون یک مسئله است که در این ماده اصلاح می شود و نزدیکتر است بانظر آقای دامغانی و آن این است که اشخاصی که قرعه بنام شان اصابت نکرده باشد آزاد هستند و در

سال بعد باید ببینند و قرعه در باره آنها کشیده شود باین جهت نظر به آقا هم تأمین خواهد شد.
 جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است.
 رئیس- پیشنهاذها قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)
 پیشنهاذ آقای مدرس بنده پیشنهاذ می کنم ماده ششم بطریق ذیل اصلاح شود:
 مادامی که احتیاجات قشونی کمتر از میزان افراد است که به سن سربازی داخل شده اند دولت هر ساله بقدر احتیاجات خود افراد لازم را در صورتی که از معاینه آنها بقدر لزوم و اطلب کلا یا بعضاً حاضر بخدمت نشوند الی آخر.
 مدرس- اجازه می فرمائید توضیح بدهم.
 رئیس- حالا شور اول است پیشنهاذها قرائت میشود و می رود در کمیسیون توضیح در شور دوم است.
 پیشنهاذ آقای ضیاء الملک بنده پیشنهاذ میکنم ماده ۶ اینطور اصلاح شود.
 بعد از هر دو سال سه ماه برای مشق نظامی حاضر می شوند.
 رئیس- ماده ۷ (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۷- در تمام مملکت ایران بموجب تصمیم هیئت وزراء و صدور فرمان های یونی از یانزدهم میزان هر سال تا آخر عقرب همان سال عمل سرباز گیری شروع و خاتمه خواهد یافت.
 رئیس- آقای دامغانی (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- البته همه آقایان تصدیق میفرمایند که از یانزدهم میزان تا عقرب ابتدای سال فلاحتی و موقع زراعت است و باید مواد اولیه زندگانی در آن موقع تأمین شود شروع سرباز گیری از یانزدهم میزان تا یانزدهم عقرب تصور می کنم لطمه بزرگی به اصول فلاحت وارد آورد زیرا این سربازی داوطلبی نیست و اجباریست و البته مردم وزارت عین و رعایا هم از این مسئله کراهت دارند و بین ارباب و مالکین و تنزل پیدا می شود مالکین نمی دانند تکلیفشان چیست و رعیت آنها کیست و زارعین هم همین طور بلا تکلیف و بالاخره نتیجه این میشود که از اول میزان که موقع زراعت و بذر کاری است تا اول عقرب امور زراعتی معطل بماند باین جهت بنده معتقدم قبل از این موقع یعنی از یانزدهم اسد تا یانزدهم سنبله سرباز گیری شروع شود و خاتمه پیدا کند.
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب کردم از فرمایش آقای دامغانی و خواستم به آقای

دامغانی عرض کنم که اگر شما میخواهید باین لاف ملاحظه رعایا را بکنید پس نهاد کنید از اول جنسی این کار را بکنند زیرا موقع زمستانست رعایا کار ندارند و توی خانه شان نشسته اند نه این که اسد را که وقت کار و زحمت و تحصیل معیشت است بفرمائید پس معلوم میشود که این نکته را در نظر نگرفته اند حالا آن چیزی را که دولت پیش نهاد کرده است بنده موافقم چرا؟ برای اینکه خرمن تأمین آن آنچه باشد دست آمده است و خودتان می دانید که سنبله موقع نم کاشتن و شخم زدنست همه رعیت هشتم و اطلاع داریم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.
 رئیس- ماده ۸ قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۸- هر سال در ابتدای حمل در شعبه سرباز گیری هر ناحیه قشونی صورتی از کلبه افرادی که در آن سال سن سربازی می رسند در ثبت حوزه های جزا میباشند از دفتر کل نفوس آن ناحیه استخراج و صورت عده نفراتی که در آن سال باید گرفته شود به اضافه صدی ۲۰ بجهت معافی و فراری برای رؤسای حوزه های جزو یک نسخه دیگر بوزارت جنگ ارسال میگردد
 رئیس- آقای دامغانی (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- عرضی ندارم
 رئیس- مخالفی ندارم؟ (گفته شد خیر)
 رئیس- پیشنهاذ آقای ضیاء الملک (اینطور خوانده شد)
 بنده پیشنهاذ میکنم که جمله (بجهت معافی و فراری) در آخر سطر چهارم از ماده (۸) حذف شود.
 رئیس- آقای مدرس پیشنهاذ کرده اند جاسه را ختم کنیم
بعرضی از نمایندگان - ماده نهم را هم بخوانند که يك فصل تمام شده باشد.
 مدرس- بسیار خوب قبول میکنم
 رئیس- ماده نهم قرائت میشود: (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۹- پس از آن که اوامر وزارت جنگ به امرای لشکر و مأمورین سرباز گیری برسد مأمورین مزبور با صاحب منصبان ساخلو که برای هر حوزه جزء معین شده اند با دفاتر مزبوره در ماده (۸) بمرکز خود رفته باطلاع مأمورین کشوری اسامی کلبه افرادی را که داخل سن سربازی شده و در آن حوزه حضور دارند یا مسافرت کرده باشند از دفتر نفوس استخراج و حاضرین را بمجل سرباز گیری و مجلس قرعه احضار نمایند به استثنای مسافرین و اشخاص علیل و غیر قادر بحرکت که باید کس خدای محل بدر یا برادر یا یکی از بستگان ذکور آنها را در مجلس قرعه حاضر نمایند.
وزیر فو اعداعامه - این ماده محتاج

بیک اصلاح عبارتی است باید نوشته شود.
 پس از صدور اوامر وزارت جنگ مأمورین سرباز گیری الی آخر. آن قسمت امرای لشکر و مأمورین باید حذف شود. چون اینها همایانی است که مربوط به نظام نامه است و یک اصلاح دیگری هم در این ماده لازم است بشود. کلبه افرادی که داخل سن سربازی شده. باید اضافه شود. و همچنین اشخاصی را که در دو سال قبل بر حسب قرعه از خدمت معاف شده اند چون این ماده مربوط است بآن ماده که فعلا گذشت چون مطابق آن ماده اینطور بود هر کس که همان سال از قرعه معاف شد دیگر متعرض او نباشد بشوند در صورتی که مقصود این نبود و مقصود این بود که دو سال بعد در جزو کسانی که باید نسبت بآن ها قرعه کشیده شود حاضر باشند و این ماده هم چون مربوط به آن ماده است باید اصلاح شود و این اصلاحات را هم چون آقای مغیر کمیسیون شرکت داشته و دارند در کمیسیون اصلاح خواهند فرمود.
 رئیس- آقای دامغانی (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- عرضی ندارم
 رئیس- آقای طهرانی (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانی- عرضی ندارم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.
 رئیس- پیشنهاذها قرائت میشود.
 پیشنهاذ آقای میرزا آقاخان بنده پیشنهاذ میکنم بجای ساخلو (حاضر خدمت) نوشته شود.
 پیشنهاذ آقای انگر بنده پیشنهاذ میکنم عبارت صاحت - منصبان ساخلو عبارت (صاحب منصبان نگهبان) تبدیل شود.
 رئیس- جلسه آتیه روز شنبه دستور اول اخیر کمیسیون بودجه راجع به اوازده نفر بلژیکی.
مشاور اعظم - بنده اجازه خواسته ام
 رئیس- بلی می دانم عرض می کنم اگر تصویب فرمودید تغییر می دهیم. بنده جمعی پیشنهاذ کرده اند که ۲ فقره خبر کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری نسبت بمواد تفسیری که از طرف وزارت مالیه پیشنهاذ شده است و راپورت کمیسیون معارف راجع بحق التدریس مستخدمین دولتی در مدارس بعد آقای حایری زاده پیشنهاذ کرده اند قانون بلدیه جزء دستور جلسه آتیه شود. نسبت به ۱۴ نفر بلژیکی که مخالفی نیست؟
 آقا سید یعقوب - بنده مخالفم
 رئیس- بفرمائید
 آقا سید یعقوب - مکرر در این مجلس صحبت شده است که دستور مجلس تعیین

آن باخ و مجلس است بنده متعقدم این قانون نظام اجباری که يك فصلش گذشته است این قانون را تمام کنیم و بعد داخل در قسمت های دیگر شویم.
 رئیس- آقای تدین (اجازه)
 تدین- اولاً نسبت راپورت کمیسیون بودجه در همین جلسه پیشنهاذ آقای مدرس اصلاح شد و همه آقایان تصویب کردند در ظرف يك ساعت که نمی شود تغییر رای داد بنابراین بنده تصور می کنم محتاج برای جدید نباشد و اما آن قسمت دیگر راجع به تفسیر دو ماده است که از طرف وزارت مالیه پیشنهاذ شد و یکی هم شرح قانونی از طرف آقایان نمایندگان در این جا تنظیم شده است که راجع بقسمت حق التدریس معلمین است و بکمیسیون های مربوطه ارجاع شده و تصور می کنم چندان وقتی هم لازم نخواهد داشت لهذا معتقدم این هم بعد از راپورت کمیسیون بودجه مطرح شود.
محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بنده مخالفم.
 تدین- حالا لازم نیست عصبانی بشوید. رای ندهید.
 رئیس- چون عده کافی نیست جلسه را ختم میکنم.
 (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک منشی علی اقبال الممالک منشی معظم السلطان
جلسه صد و چهل و یکم صورت مشروح مجلس یوم شنبه ۲۳ حوت ۱۳۰۴ مطابق ۱۸ شعبان ۱۳۴۳
 مجلس دو ساعت و چهل و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.
 (صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۱ حوت را آقای آقامیرزا جواد جان قرائت نمودند)
 رئیس- آقای رئیس التجار.
 جلسه عرضی ندارم.
 رئیس- آقای طهرانی (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرض بنده قبل از دستورات.
 رئیس- آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
 ارباب کیخسرو - بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم
 رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم.